[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

جایگاه جلوخان در معماری مسکونی بومی ایران

حسین مهدوی پور*/ رشید جعفری**/ پوراندخت سعادتی**

تاریخ دریافت مقاله: 1390/12/14
تاریخ پذیرش مقاله: 1392/01/21

چکیده

با درنگ در بازه گسترده‌ای از آثار معماری مسکونی شهری و روستایی ایران که طی سال‌های متمادی تا پیش از دوران معاصر در کشور ما شکل گرفته‌اند و تأمل بر الگوهای مختلف خانه‌ها، می‌توان عناصری را به‌عنوان اجزای اصلی و ساختاری بازشناخت. به نظر می‌رسد با آنکه این معماری در طی سالیان متمادی دستخوش تغییرات گردیده و تکامل یافته است، در اکثر مناطق اجزای اصلی خود را درگذر زمان حفظ نموده است، عناصر ساختاری یکسانی از قبیل حیاط، ایوان، مهتابی، هشتی، دالان و صفه، که هر یک نقش‌های متعددی بر عهده دارند. جنبه‌ای از این نقش‌ها به ارتباط و تعامل با دیگر اجزا بر می‌گردد و برخی دیگر به کارکرد خود عنصر ارتباط دارند. یکی از این عناصر که در بسیاری از بناهای مسکونی (و یا غیر مسکونی) در بافت‌های شهری و روستایی مشاهده می‌شود، «جلوخان» می‌باشد. در خانه‌ها (و نیز در دیگر بناها نظیر مسجد، خانه، کاروانسرا و حتی بازار)، این عنصر معماری نقش‌های متنوعی در زمینه‌های رفتاری، روابط اجتماعی، تبیین حریم، تعریف ارتباط بین درون و برون و همچنین احترام به نقش و جایگاه مخاطب بر عهده دارد. متأسفانه امروزه در خانه‌ها و دیگر بناهای جدید حضور این عنصر تأثیرگذار معماری بومی، حذف و یا کم‌رنگ گردیده است و یا در برخی مکان‌ها که به گونه‌ای شاهد ساخت آن هستیم به علت اشکال در شکل و یا محتوا نتوانسته است نقشی درخور ایفا نماید. این جستار درصدد است با معرفی و شناسایی این عنصر در معماری مسکن بومی ایران، جایگاه آن در بافت کالبدی و نقش آن در رفتار و روابط اجتماعی را مورد بررسی قرار دهد. در این راستا ضمن تعمق در منابع مکتوب، با قیاس و تحلیل مصادیق موجود و برداشت مفاهیم و معانی از دل آن‌ها، تلاش شده است اشکال، کارکردها و اثرات کیفی این عنصر معماری بر محیط مطالعه گردیده و از این طریق نقش آن مورد بازشناسی قرار گیرد. در این نوشتار جلوخان‌ها بر اساس وسعت که خود به نوعی تعیین کننده میزان ایفای نقش آنان در ارتباطات اجتماعی است به سه دسته تقسیم شده و اجزا و ویژگی‌های هر دسته تبیین گردیده‌اند. در ادامه رسالت جلوخان در خانه‌ها و جایگاه آن در بافت‌های مسکونی شهری و روستایی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این رسالت در زمینه‌هایی مانند تعریف رابطه درون و برون و تبیین حریم، نقش در سلسله مراتب و ترتیب و تدرج در دسترسی و دعوت‌کنندگی، زمینه سازی برای درک بهتر بنا و همچنین فراهم نمودن بستری برای تعاملات اجتماعی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مسکن بومی، جلوخان، روابط اجتماعی، حریم.

* استادیار دانشکده معماری دانشگاه یزد. hmahdavi@yazd.ac.ir
** مدرس دانشگاه آزاد خوراسگان، اصفهان.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

مقدمه

مسکن در معماری سنتی ایران، از اجزا و عناصر خاصی تشکیل گردیده است که هرکدام از این عناصر ضمن ارتباط با دیگر اجزا وظیفه‌ای مهم نیز بر عهده دارند. یکی از عناصری که مورد توجه این مقاله است و در خانه‌های مختلف و در مکان‌های گوناگون در شکل و قالب‌های متنوع مشاهده می‌گردد، «جلوخان» می‌باشد. هرچند برخی از محققان جلوخان را با ورودی و یا " پیش تاق" مترادف می‌دانند، ولی با توجه به اینکه رسالت و نقش متمایزی در ارتباط با درون و بیرون بر عهده دارد، بهتر است با دقت مورد مطالعه قرار گیرد. این نقش چه در خانه‌هایی که متعلق به معماری بومی می‌باشند و سازندگانشان ادعایی بر شکوفایی و درخشش هنری آن‌ها ندارند و چه در خانه‌هایی که بر اساس اندیشه‌هایی از پیش بررسی شده برپا شده‌اند، دیده می‌شود.

در این مقاله به جایگاه و نقش جلوخان در معماری مسکونی ایران پرداخته شده است؛ در این راستا ضمن تعمق در منابع مکتوب، نمونه‌هایی جلوخان‌ها در خانه‌های ایرانی بررسی گردیده‌اند. با قیاس نمونه‌ها و تحلیل نتایج بررسی آن‌ها، جلوخان‌ها در سه گروه دسته‌بندی شده‌اند. در این جستار ابتدا به تعریف معنای جلوخان پرداخته شده است. در ادامه ضمن تبیین اجزای مختلف جلوخان، به رسالت آن در معماری مسکونی ایران در زمینه‌هایی مانند تعیین حریم، تعریف سلسله مراتب دسترسی، دعوت‌کنندگی و بسترسازی جهت تعاملات اجتماعی اشاره شده است. لازم به ذکر است هرچند جلوخان را می‌توان از وجوه گوناگون دیگری مانند اقلیم نیز بررسی نمود؛ لکن هدف مقاله نمی‌باشد.

پرسش‌های تحقیق

1. جلوخان چیست و در معماری مسکونی ایران چه رسالتی بر آن مترتب است؟
2. نقش جلوخان در سلسله مراتب ورود به بنا چه می‌باشد؟
3. رسالت جلوخان در تدوین رابطه درون و برون و تعریف حریم بنا در معماری مسکونی ایران چیست؟

تعریف مسئله

«بررسی فضاهای ساخته شده متعلق به گذشته دور و یا نزدیک در معماری شهرها و روستاهای ایران نشان می‌دهد عبور از یک فضای همگانی (چه گذر و چه میدان) به صورتی بلا فصل وبی واسطه تحقق نمی یافته و همواره فضایی به سان یک مفصل، فضای همگانی را از فضای اندرون جدا کرده و حایل میان این دو بوده است.» (فلامکی،1385،600) در حالی که متأسفانه معماری معاصر ایران عموماً با ارتباط بی واسطه درون و برون، به این مبانی معماری بومی بی اعتنایی نموده و یا دست کم بهره لازم را نگرفته است. در آیین نامه‌های فضاهای شهری و معماری نامی از جلوخان مشاهده نمی‌گردد؛ در ضوابط ساخت و ساز شهری و در طرح‌های هادی و تفصیلی شهرها و روستاها، کوچک‌ترین اشاره‌ای به نقش جلوخان‌ها در فضاهای شهری و گذرها و خانه‌ها نشده است؛ به نظر می‌رسد این مفهوم از ادبیات معماری و شهرسازی ما در حال رخت بربستن است. ورودی خانه ها با اتصال بلا فصل با گذر دیگر امکان گفتگوی بی‌تکلف را به همسایگان نمی‌دهد، دیگر نمی‌توان پیش از ورود به خانه ها قدری در بیرون آن ها تأمل نمود و مفصل های ارتباطی بین درون بنا و عرصه عمومی دیگر چون گذشته به ایفای نقش نمی‌پردازند. این بی توجهی‌ها در بناهای بزرگ، نمود بارزتری می‌یابد؛ در آپارتمان‌ها و مجتمع های مسکونی، این عنصر کارآمد معماری حذف گردیده است و در پی ارتباط بلافصل و بدون مفصل بنا با محیط شهری مرز بین اندرون و بیرون به جای فضایی تعریف شده، کارا و پویا، محدود به یک درب گردیده و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

بدین ترتیب ارتباط ساختمان با فضاهای شهری دچار معضلات متعددی گردیده است. «این بی توجهی‌ها ناشی از سهل انگاری معماری معاصر ایران، عدم تحلیل و شناخت فضاهای معماری سنتی و به کار بردن بی قید وبند مدل‌های غربی است.» (فلامکی،1385،600) اینجاست که می‌توان بیان داشت به جای بریدن از گذشته، تداوم گفتگو با آن می‌تواند راه‌گشا باشد (آدریانو،1384،37).

در ابتدای امر تصور بر این است که اطلاعات کافی در خصوص این گونه فضاها که در معماری بومی ما نقش به‌سزایی ایفا می‌نمودند، وجود دارد، لکن متأسفانه حق مطلب به خوبی ادا نگردیده و نیازمند تعمق بیشتری است. نیاز به شناخت همه جانبه فضایی مانند جلوخان که در معماری سنتی ایرانی دارای رسالت های گوناگونی است و مقامی درخور دارد، از ضروریات می‌باشد. در پی آن این امیدواری در دل زنده می‌شود تا بتوان با طراحی مناسب فضاهای ارتباطی مفصل‌ها خصوصاً در مرز خانه با حریم بیرون، پاسخگوی نیازهای استفاده کنندگان در این عرصه باشیم. «امروزه ما به سوی از دست دادن قابلیت‌های خویشتن شناسی گام برمی داریم؛ در حالی که اگر با دقت به صحنه جوامع روستایی بنگریم و ببینیم چگونه هویت و خصایص بارز قومی خود را بیش از دیگران حفظ کرده اند، می توانیم بدون تقلید و چشم بسته سرمشق‌های اساسی در زمینه اسلوب و روش برای افزایش کیفیت زندگی خویش کسب کنیم.» (آدریانو، 1384،49).

معماری بومی

معماری بومی از مجموعه ای از آثار و افتخارات مردم و هنرمندان طی دوره‌ای طولانی شکل گرفته است. آثاری که در سرتاسر کشورمان از مشرق تا مغرب در قالب بافت‌های روستایی و شهری پراکنده‌اند. این آثار با وجود اختلافات قومی و محیطی از یک روح مشترک برخوردارند که باعث گردیده است همگی آن ها جزیی از آثار فرهنگی و بومی تلقی گردند. «معماری بومی یعنی مجموعه واحدهای معماری-شهری که در سرزمینی معین گرد هم آمده‌اند وبا هماهنگی‌هایی که در زمینه‌های شکل، حجم گذاری، کاربردی، رنگ آمیزی و آهنگ سطوح پر و خالی و همچنین در زمینه مصالح و نظام‌های ساختمانی در آن‌ها پدیدار است، رازی اصلی و اساسی را در بر دارد: هماهنگی مبتنی بر تفاوت، تشخص مبتنی بر ضابطه‌ها و رسوم و سلیقه‌های زاده از فرهنگ محیطی، یگانگی زاده از احترام متقابل و برخوردار از رفتارهای محیطی مبتنی بر آزادی‌های مشروط از قراردادهای اجتماعی ضمنی - قراردادهای نانوشته ولی زنده.» (فلامکی،۱۷،۱۳۸٤) و می‌توان ادعا کرد «معماری بومی مالامال از زیبایی‌های فروتن و ناشناس است.» (آدریانو،۳٦،۱۳۸٤) معماری محلی در مقابل فرهنگ وارداتی قرار می‌گیرد و از یک فرهنگ مشخص سخن می‌گوید؛ فرهنگی که به دست مردم همان جا شکل گرفته، رشد کرده و در رویدادهای سخت نیز تحت تأثیر قرار گرفته؛ لکن مجدداً به وسیله همان مردم با فرهنگ بومی سازگاری یافته است (معماریان، ۱۸۲،۱۳۸٤). در معماری بومی ایران با وجود تفاوت‌ها، اصول و ویژگی‌های مشترکی مشاهده می‌شود که مردم و هنرمندان در طول دوره‌های مختلف زمانی و مکان‌های گوناگون جغرافیایی با الهام از ویژگی‌های فرهنگی، سنتی و ارزش‌های پایای حاکم، در خلق آن به کار بسته‌اند. الهام از این دستورها و آداب می‌تواند موجب وحدت در معماری این مرز و بوم گردد.

بافت‌های بومی شهری و روستایی ایران در راستای پاسخگویی به نیازهای مختلف و متنوع بهره برداران، گونه‌های مختلفی از بناها با عملکردهای متنوع را شامل

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

می‌شوند. بناهایی همچون مسجد، خانه، کاروانسرا، بازار، کاخ، حمام و... با وجود تمایزهای عملکردی، همچنان وجوه مشترکی در میان آن‌ها مشاهده می‌شود که گونه‌ای از وحدت را موجب شده است. این وجوه مشترک که بر اساس فرهنگ و بوم و سنت هر قوم و قبیله‌ای می‌باشد، چیزی نیست جز نگاه هنرمند به مقام انسان کامل و رابطه او با خداوند و همنوعانش[1].

تمامی بناهای این مرز و بوم از حرمتی متناسب با رسالت، مقام و عملکرد خود برخوردار می‌باشند؛ جهت تقدیس حرمت، حریم تعریف می‌شود و محرم از نامحرم جدا می‌گردد؛ لذا می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های معماری ایرانی در سده‌های گذشته تعریف متناسب رابطه درون و برون و به عبارتی تعیین حریم است. رابطه‌ای که در معماری ایرانی بسیار عمیق و ظریف است. در این جستار با تأکید بر بخشی که رسالت آن تبیین این ارتباط است، ابعاد و وجوه مختلف این اصل مهم در معماری مسکونی روستایی و شهری ایران واکاوی، بازشناسی و مورد تأکید قرارگرفته است.

شناخت جلوخان

«جلوخان» واژه‌ای است که از ترکیب دو کلمه «جلو» به معنای «پیش، پیش رو، روبه‌رو» (عمید، 1342، 378) و کلمه «خان» تشکیل شده است. خان در ادبیات به معنای «خانه، سرا، کاروانسرا» (عمید،۱۳۴۲،۴۳۸) به کار رفته است؛ مانند هفت خان رستم، خان گاه، خانمان. با این تعریف جلوخان به معنای جلو منزل، مرحله قبل از ورود به منزل، مرحله مقدماتی منزل و یا آمادگی جهت ورود به منزل می‌باشد. در لغتنامه معین نیز جلوخان به «پیشگاه خانه، میدانی که در جلو عمارت ومنزل واقع باشد» معنی شده است (معین،1360،1238). بنابراین جلوخان (پیش خان) به‌عنوان یک فضای واسطه در مرز بین حریم درون و بیرون، عبارتست از فضایی ارتباطی در جلوی در ورودی برخی بناها که عموماً از چند طرف محصور می‌باشد. این فضا به‌عنوان قسمتی از ورودی و اولین مرحله از سلسله مراتب ورود به بنا، ضمن تعریف حریم بنا، فضایی برای ورود، مکث، تجمع، حرکت و درک بهتر ساختمان را مهیا می‌نماید؛ لذا می‌توان گفت جلوخان به میدانگاه جلو بنا و محوطه باز قرار گرفته در آستانه ورودی خانه، مسجد، کاروانسرا، حمام و...اطلاق می‌گردد (ت1).



ت1. جلوخان خانه‌ای در روستای قهی.
مأخذ: نگارنده، 1390.

در راستای شناخت بهتر این عنصر در معماری مسکونی بومی ایران، می‌توان جلوخان‌ها را بر اساس شکل، وسعت و همچنین میزان ایفای نقش در زمینه ارتباطات اجتماعی، طبقه بندی نمود. بر اساس تحلیل و تعمق در خانه‌های مورد مشاهده و مطالعه، جلوخان‌ها به سه دسته کلی تقسیم می‌گردند. شایان ذکر است که به دلیل کثرت نمونه‌های بررسی شده، در این نوشتار امکان معرفی همه آن‌ها نمی‌باشد و تنها به ارایه برخی موارد شاخص اکتفا می‌گردد.

گروه اول که ساده‌ترین شکل جلوخان می‌باشد، در بدنه بیرونی عده زیادی از خانه‌های روستایی و شهری مشاهده می‌شود. این جلوخان‌ها ضمن اهمیت بخشیدن

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

به فضای ورودی با عقب نشینی مختصر نسبت بـه معبـر، دسترسی به درون بنا را از گذر متمایز مـی‌نماینـد. گـاهی به آن پیش تاق نیز گفته می‌شود (سـلطان زاده،۱۳۹۰، ۷۰). این دسته از جلوخان‌ها که فضای کوچک‌تـری را نسـبت به دیگر انواع به خود اختصـاص مـی‌دهنـد، دارای تنـوع زیادی در جزییات، تزیینات و نگاره‌ها می‌باشـند. اجـزای تشکیل دهنده آن عبارتند از پـیش تـاق، سـر درب، درب ورودی و عموماً پیر نشین (ت2و3). لازم بـه ذکـر اسـت عموم محققین این دسـته را جـزو جلوخـان‌هـا بـه‌شـمار نمی‌آورند و جلوخان را صرفاً در جلو بناهـای بـزرگ بـه رسمیت می‌شناسند؛ لکن با توجه بـه رسـالتی کـه بـر آن مترتـب اسـت بـه گونـه‌ای اولـین و سـاده‌تـرین دسـته جلوخان‌ها می‌باشند.



ت 2. جلوخان خانه‌ای در قمصر.
مأخذ: نگارنده، 1390



ت 3. جلوخان خانه‌ای در محله جلفای اصفهان.
مأخذ: نگارنده، 1390

در دسته دوم، جلوخان به شـکل یـک فضـای تعریـف شده در جلوی ورودی مطرح می‌گردد و به عنوان مرحلـه مقدماتی ورود (و یا آخرین مرحله خروج) مرز بین درون و برون را به خـود اختصـاص مـی‌دهـد. در ایـن دسـته، جلوخان در قالب فضایی وسیع‌تر از آنچـه در دسـته اول دیده شد، به ایفای نقش بین بنا و گذر مـی‌پـردازد، نقـش شاخص‌تری می‌یابد و عرصـه گسـترده‌تـری را بـه خـود اختصاص می‌دهد. این دسته جلوخان‌ها از لحاظ جزییات و تزیینات غنی‌تر و بارزتر از دسته اول بوده و دارای سـر در رفیع‌تر و گاه پیر نشین گسترده‌تری می‌باشند؛ لکـن از عمومیت آن در خانه‌ها به نسبت دسته اول کاسته می‌شود. درب، سر در که گاه با آجرکاری، مقـرنس و یـا کاربنـدی تزیین گردیده است، تاق نمـا و پیرنشـین از اجـزای ایـن دسته هستند. این دسته از جلوخان‌ها عموماً در خانه‌هـای شاخص و متعلق به افراد خاص و متمول شهر یـا روسـتا مشاهده مـی‌گردنـد. عـلاوه بـر مسـکن‌هـای خـاص، در ورودی بناهای عمومی مانند مساجد، مـدارس، بازارهـا و حمام‌ها به ایفای نقش می‌پردازند.



ت 4. جلوخان خانه‌ای در روستای قهی.
مأخذ: نگارنده، 1390

در نوع سوم، جلوخان به شـکل فضـایی وسـیع و گـاه میدانی کوچک در جلوی در ورودی بنا بـه ایفـای نقـش

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

می‌پردازد. عموماً در این دسته، جلوخان به‌صورت یک مفصل قوی و شاخص، حلقه ارتباطی بین ورودی بنا با گذر و فضاهای مجاور می‌باشد و بستر لازم را برای این ارتباط فراهم می‌نماید. در این دسته جلوخان به صورتی وسیع‌تر از دو دسته دیگر مطرح می‌باشد؛ سر در و پیش‌تاق، رفیع‌تر است. تزیینات و جزییات آن کامل‌تر و وسیع‌تر می‌باشد و با ظرافت بیشتری کارشده است[2]. پیرنشین‌ها عموماً گسترده‌تر و گاه دارای اشکالی متنوع و متفاوت نسبت به دو دسته دیگر می‌باشند. با توجه به ویژگی‌های آن نسبت به دو دسته دیگر از نظر تعداد کمتر است؛ لکن عرصه وسیع‌تر و نقش بارزتری را به خود اختصاص می‌دهد. اجزای تشکیل دهنده این نوع از جلوخان که در خانه‌های شاخص، مهم و اعیانی شهر و روستا مشاهده می‌شوند، عبارتند از درب ورودی، سر در، پیش تاق، پیرنشین و قسمتی نسبتاً گسترده از عرصه کف در جلوی ورودی.

یکی از مصادیق بارز این دسته، جلوخان خانه حاج علی آقا در شهر رفسنجان می‌باشد. این خانه که به بزرگ‌ترین خانه خشتی جهان معروف است متعلق به یکی از تجار سرشناس زمان قاجار به همین نام بوده است. جلوخان وسیع این خانه عرصه گسترده‌ای را در فضای مابین گذر و خانه به خود اختصاص داده و به‌عنوان یک حلقه ارتباطی شاخص در این عرصه به ایفای نقش می‌پردازد. بالاخانه‌ای که بر روی هشتی ورودی واقع شده است، به خوبی از جلوخان پیدا بوده و توجه را به سمت ورودی بنا جلب می‌نماید. این اتاق به‌عنوان محل ملاقات‌های کاری صاحب‌خانه و انعقاد قراردادهای تجاری مطرح بوده است (ت5). نمونه دیگر از این دسته، جلوخان خانه صولت ابرکوه می‌باشد که با اختصاص عرصه وسیعی از گذر به خود، حریم خانه‌ای شاخص را در دل بافت تعریف می‌نماید و پاسخگوی رفتارهای متعدد استفاده‌کنندگان از آن در این عرصه می‌باشد. جلوخان خانه عطاالملک دهش در اصفهان نیز در این دسته جای دارد. جلوخان نیم دایره خانه دهش با دیوار آجری و تاقچه‌های خود، حلقه ارتباطی بین خانه و بافت پیرامون آن را به زیبایی فراهم آورده است (ت6).



ت 5. جلوخان خانه حاج علی آقا در رفسنجان.
مأخذ: نگارنده، 1390



ت 6. جلوخان خانه دهش(عطاالملک) در اصفهان.
مأخذ: نگارنده، 1390

علاوه بر خانه‌های یاد شده، این نوع از جلوخان در بناهای عمومی بزرگ و اصلی شهر یا روستا مانند مساجد جامع نیز مشاهده می‌شود که گاه شامل آب‌نما و یا

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

تعدادی دکان نیز می‌باشد و بدین گونه آمیزش بیشتری با محیط عمومی اطراف می‌یابد.

بنابراین جلوخان‌های خانه‌ها در مقیاس و اندازه‌های مختلفی به ایفای نقش می‌پردازند. اندازه و بزرگی جلوخان‌ها ارتباط تنگاتنگی با جایگاه و اهمیت خانه دارد. جلوخان یک خانه شاخص و بزرگ متعلق به افراد سرشناس و حاکمان شهر یا روستا، متناسب با رفتارهایی است که در آن صورت می‌پذیرد. با در نظر گرفتن میزان مخاطبان، تنوع مراجعین و رفتارهای گوناگونی که در آن صورت می‌گیرد، جلوخان نیز جایگاه متفاوتی می‌یابد. حال آنکه جلوخان خانه‌ای ساده در دل یک محله متناسب با میزان اهمیت و کارکرد بنا، در مقیاس کوچک‌تری ساخته می‌شود.

معرفی اجزای جلوخان

جلوخان‌ها در بناهای مسکونی با توجه به نقشی که بر عهده دارند، اجزای مختلفی را شامل می‌شوند؛ آن‌ها را می‌توان در دو دسته کلی اجزای ملحق به بنا و اجزای مربوط به میدان جلوخان تقسیم بندی نمود. ممکن است برخی از محققین تعدادی از این اجزا را به صورتی مستقل در ورودی بنا مورد بحث قرار دهند، اما با توجه به اتصال و پیوستگی قوی آن‌ها با جلوخان، به نظر می‌رسد در اینجا قابل بحث باشند. اجزای ملحق به بنا عبارتند از درب، سردرب، پیش تاق و پیرنشین[3]؛ و اجزای مربوط به میدان شامل قسمتی از عرصه جلوی ورودی در بیرون (که در برخی از انواع سکونتگاه‌ها شامل عناصری مانند آب‌نما نیز هستند) می‌باشند.

1. **درب:** مهم‌ترین نقش آن کنترل ورود و خروج به خانه است و استفاده کنندگان پس از عبور از آن به اندرون خانه وارد و یا از آن خارج می‌شوند. ابعاد، تزیینات و تناسبات آن با توجه به تناسبات ورودی که خود با جایگاه و اهمیت خانه و ساکنین آن مرتبط است، تعیین می‌گردد.

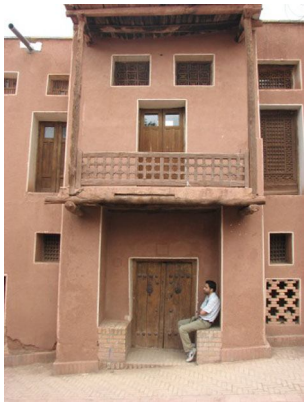
2. **سردرب:** بخشی از دیوار بالای درب بنا، سردرب نام دارد. به ویژه در خانه‌های بزرگ این قسمت دارای تزیینات از قبیل آجرکاری، کاشی‌کاری، گچ کاری، مقرنس و یا انواع کاربندی می‌باشد.

3. **پیش تاق:** یکی از این اجزا که در گونه‌های مختلف آن مشاهده می‌شود، پیش تاق است که به‌صورت فضایی سرپوشیده و نیمه باز در جلوی درگاه ورودی می‌باشد. به عبارتی یک بخش پیوسته به ساختمان در قسمت بیرونی است که یک فضای سرپوشیده برای درگاه ایجادمی کند. به فراخور کارکرد بنا، ابعاد و تزیینات پیش تاق نیز تغییر می‌یابد. هرچه خانه شاخص‌تر و جلوخان آن وسیع‌تر، به تناسب، ابعاد این پیش تاق نیز بزرگ‌تر شده و تزیینات بیشتری را شامل می‌گردد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد گاهی به پیش تاق، جلوخان نیز گفته می‌شده است.

4. **پیرنشین:** یکی دیگر از اجزای جلوخان، پیرنشین می‌باشد. از بررسی نمونه‌ها در سه دسته یاد شده می‌توان نتیجه گرفت در غالب جلوخان‌ها شاهد حضور پیرنشین هستیم. پیرنشین به‌صورت سکویی با ارتفاع مناسب جهت نشستن در فضای بیرون بنا و مرز بین داخل و خارج می‌باشد. این سکوها عموماً به صورت زوج و در دو طرف در ورودی است. گاهی در برخی نمونه‌ها تعداد بیشتری پیرنشین نیز مشاهده شده است مانند خانه بروجردی‌های کاشان که دارای شش سکوی پیرنشین در ورودی خانه می‌باشد. گاه نیز برخی از نمونه‌های جلوخان‌ها فاقد پیرنشین می‌باشد، مانند خانه حاج علی آقا در رفسنجان و یا خانه دهش در اصفهان. در برخی شهرها به پیرنشین، خواجه نشین (سلطان‌زاده94،1390) و یا پاخوره (پیرنیا،۱۴۳،۱۳۸۹) نیز می گویند. همان طور که

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

از نام آن برمی آید جهت نشستن عموماً کهنسالان و رفع خستگی است. علاوه بر آن نقش های گوناگونی بر عهده دارد. در جلوخان‌ها با بهره گیری از پیرنشین مکانی مناسب برای استراحت رهگذران برای دقایقی هرچند کوتاه، درک بهتر بنا، جایگاهی شایسته برای مخاطب، مکانی برای مکث و تأمل و بستری مناسب جهت تعامل مراجعین و مخاطبین فراهم می‌شود (ت7).گاهی نیز از پیرنشین جهت سوارشدن بر چهارپایان بهره می‌برده‌اند (پیرنیا،143،1389). پیرنشین‌ها نقش بسزایی در ساماندهی رفتارها در فضای جلوخان ایفا می‌نماید. پیرنشین نیز متناسب با ابعاد جلوخان و گسترش کارکرد و اهمیت آن گسترش می‌یابد و فضای وسیع‌تری را به خود اختصاص می‌دهد.



ت 7. پیرنشین خانه‌ای در روستای ابیانه.
مأخذ: نگارنده، 1390

5. قسمتی از عرصه کف در بیرون ورودی: با توجه به گسترش عرصه جلوخان‌ها به ویژه دسته سوم و گاهی دسته دوم، قسمتی از گذر با عرصه جلوخان تداخل یافته و به‌عنوان یک مفصل به تعریف ارتباط بین درون و بیرون کمک می‌نماید. با توجه به قرارگیری آن در منطقه نفوذ جلوخان می‌توان آن را قسمتی از جلوخان محسوب نمود. این موضوع در تلاقی جلوخان با گذر، (برای نمونه در جلوخان خانه حاج آقا علی در رفسنجان و یا جلوخان خانه عطاالملک دهش در اصفهان درت5 و 6) به وضوح قابل مشاهده است. در برخی بناها در این عرصه شاهد حضور عنصر آب‌نما می‌باشیم که علاوه بر نقش به‌سزایی که در زیبایی جلوخان دارد، باعث تلطیف فضا می‌گردد و مخاطبان بنا را آماده حضور در آن می نماید. شاید بتوان حضور آن را به جایگاه و اهمیت نقش آب در معماری ایرانی مرتبط دانست. آب در فرهنگ ایرانی از منزلت ویژه‌ای برخوردار است و نمودهای زیبایی در معماری یافته است. نمونه زیبای حضور آب در جلوخان‌ها در سکونتگاه‌های تفریحی مانند باغ‌ها مشاهده می‌شود. برای نمونه می‌توان به ورودی باغ شاهزاده ماهان اشاره نمود[4].

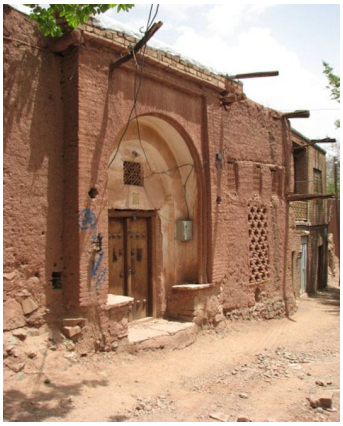
رسالت و نقش جلوخان در معماری مسکونی بومی ایران

از نگاهی می‌توان فضاها را به دو دسته فضای عبور و فضای حضور دسته بندی نمود. فضای عبور، فضایی است که برای عبور و حرکت در نظر گرفته شده است و فضای حضور برای حاضر شدن. دقت در بار مفهومی آن تبیین کننده خوبی برای آنان است. گرچه مرز بین این دو دسته را نمی‌توان به طور واضح و آشکار تعیین نمود و ممکن است برخی فضاها در عین عبوری بودن، فضای حضور نیز باشند؛ مانند پل خواجو یا چهارباغ و یا بر عکس. جلوخان در عین واقع شدن در فضای عبوری و در گذرها نهایت تلاش خود را می‌نماید تا فضایی با کیفیت جهت حضور و مهیا شدن جهت ورود به اندرون خانه فراهم نماید. جلوخان علاوه بر نقشی که در ساماندهی تعاملات اجتماعی در فضای بیرون خانه ایفا می‌کند، فضای حرکتی را به مکانی برای مکث و تأمل تبدیل می‌نماید. مخاطب این امکان را دارد تا با حضور در آن مکان به درک بهتر محیط بیرون و به خصوص بنا

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

بپردازد. می‌توان گفت جلوخان سعی در فراهم نمودن بستری در شأن مخاطبان دارد و به تبیین نقش آن‌ها می‌پردازد؛ چرا که جایگاه و نقش مخاطب را در بیرون بنا تعریف می‌نماید و با احترام به مخاطب، بستری مناسب جهت مکث، تأمل، ورود، مشاهده و ملاقات دیگران فراهم می‌نماید. عناصری مانند پیرنشین نیز با بستر سازی به این امر کمک می‌نمایند. فلامکی در تعریف جلوخان می‌نویسد: «پیش از اینکه پیمودن مسیر درونی فضای معماری آغاز شود، به‌ویژه در آن گونه‌هایی که مکان جمعی و خاص اموری‌اند معنوی و الهی، در معماری ایران فصلی وجود دارد پیش درآمد بر آنچه درون، دیده خواهد شد ورودی به مساجد و به کاروانسراها و به گرمابه‌های همگانی، همانند فضای معماری معمولاً متقارن و پناه دهنده‌ای که در حد فاصل در ورودی خانه و کوچه و گذر با تناسباتی پذیرنده که ساختنش تا چند دهه پیش در ایران متداول بود، به‌عنوان مفصلی که فضای درونی واحدهای معماری- شهری را به فضای برونی آن‌ها و یا بالعکس مرتبط می‌کند، یکی از ویژگی‌های اصیل معماری سرزمین ماست.» (فلامکی،۱۳۸۵،۳۶۳) از جنبه‌های مختلف می توان به بررسی جایگاه و نقش جلوخان پرداخت. قسمتی از آن مربوط به نقش جلوخان است و جنبه ای از آن به ارتباط آن با دیگر اجزا می‌پردازد.

1. **ارتباط درون و برون:** یکی از مهم‌ترین رسالت‌های جلوخان تعریف رابطه درون و برون است که با تعریف فضایی بین گذر و در ورود به خانه به این امر کمک می‌نماید (ت 8). به واقع ذهن مخاطب در فضای بیرون و قبل از ورود به بنا، چهارچوبی عمومی دارد و شاید آمادگی لازم برای ورود به خلوت و حریم اندرون را نداشته باشد. به نظر الکساندر بیرون آمدن از این حجاب، زمانی ممکن است عملی شود که فرد از فضایی با تأثیرات حسی متفاوت در میان گذر و در ورودی عبور نماید، به قسمی که این فضا در امتداد گذر نباشد و از آن به «گذار ورودی» نام می‌برد (الکساندر،۱۳۸۱،۲۲۸). جلوخان چنین نقشی ایفا می‌نماید؛ بدین ترتیب جلوخان مجالی بین اندرون و بیرون و مهملی برای مهیا شدن جان در ورود به اندرون فراهم می‌نماید و به تنظیم ارتباط درون و برون از طرق مختلف می‌پردازد که در سه بخش زیر قابل طرح می‌باشد:



ت 8. جلوخان خانه‌ای در ابیانه.
مأخذ: نگارنده، 1390

تعیین حریم: تعریف و تبیین حریم به‌عنوان یک ارزش در فرهنگ بومی ایرانی آشکارا هویداست. در تعالیم اسلامی تأکید ویژه‌ای بر حفظ حرمت و تبیین حریم شده است و در معماری بومی ایران، چه شهری و چه روستایی، بنا به اقتضا، حریم خانه به خوبی تعریف گردیده است. خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه ای جز خانه خودتان تا اینکه با عملی ورود خود را اعلام کنید، وارد نشوید و به اهل خانه سلام کنید. این برای شما بهتر است امید است که متذکر شوید» (سوره مبارکه نور،26). محققین حفظ حریم درون و بیرون را یکی از ویژگی‌های معماری اسلامی- ایرانی برشمرده‌اند (پیرنیا،1383،36-35). جلوخان در عین جدا کردن فضای داخل خانه از بیرون و تعیین حریم آن، آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد و حس

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

پیوستگی درون و بیرون را در یک سلسله مراتب فضایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. به عبارتی جلوخان در عین تفکیک نمودن حریم بیرون و اندرون، عامل پیوند فضای داخل و خارج نیز هست و کارکردی نیمه عمومی- خصوصی دارد. از یک سو قسمتی از فضای ورودی به خانه است و بخشی از فضای داخل به حساب می‌آید و از جنبه‌ای دیگر قسمتی از فضای عرصه عمومی می‌باشد که پاسخگوی رفتارها در فضای شهر و روستا است. جلوخان در اینجا رسالت خود را در تفکیک عرصه خصوصی خانه از عرصه عمومی با تعیین حریم و اضافه نمودن فضایی میانی به خوبی ایفا می‌نماید. با تعریف مفصلی جهت دسترسی به بنا به تفکیک فضای عبور و فضای دسترسی می‌پردازد و با تقویت حریم از ورود بی واسطه به اندرون جلوگیری می‌کند. جلوخان به‌عنوان الگویی[5] مشخص و معین و شناخته شده در معماری بومی و سنتی ایران مطرح است. به عبارتی ارتباط خانه با گذر و محله از این طریق صورت می‌گرفته است. فضایی خالی در مرز بین درون و برون، جایی که نه به‌طور کامل متعلق به خانه است و نه کاملاً در اختیار عرصه عمومی و بیرون است و بدین گونه ارزش فضاهای میانی بیش از پیش نمایان می‌شود (9).



ت 9. جلوخان خانه‌ای در روستای قهی.
مأخذ: نگارنده، 1390

دعوت کنندگی: جلوخان، به خواندن و دعوت کردن مخاطبان به حریم درون خانه در فضای جلوی آن می‌پردازد. سعی می‌کند با فراهم آوردن بستری مناسب برای این منظور، نقش خود را در سلسله مراتب ورودی بنا به خوبی تعریف کند. جلوخان به‌صورت مرز بین درون و بیرون، اولین مواجهه عابران و ناظران و استفاده کنندگان با بنا است؛ اولین قسمتی از خانه است که به استقبال مراجعین می‌آید و از جنبه‌ای دیگر آخرین جزو خانه است که به بدرقه خارج شدگان از آن می‌پردازد. با توجه به اهمیت آغاز و یا پایان، میزان توجه طراحان به این فضا در معماری بومی ایرانی نمایان‌تر می‌شود[6].

با تحلیل نمونه‌های مختلف بررسی شده درمی‌یابیم فرم نعلی شکل و یا"U" برای جلوخان عمومیت دارد. این فرم که به‌صورت‌های مختلفی مانند مربع، مستطیل، نیم دایره، نیم بیضی و یا نیم هشت و در اندازه‌های مختلف متجلی گردیده است، دعوت‌کنندگی خوبی به سمت داخل در ذهن مخاطب ایجاد می‌نماید. می‌توان این تعبیر را از آن داشت که بنا در ابتدای ورودی دست‌های خود را به سمت مراجعان و ناظران بازکرده و با آغوش باز آن‌ها را به سمت خود می‌خواند (ت10).



ت 10. جلوخان خانه‌ای در روستای قهی.
مأخذ: نگارنده، 1390

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

از نکات قابل تأمل در جلوخان تناسبات آن خصوصاً در پلان می‌باشد. نسبت بین عرض و عمق جلوخان در میزان دعوت‌کنندگی به داخل عاملی تعیین کننده است. در صورتی که عرض جلوخان بیشتر از عمق آن باشد، دعوت‌کنندگی مخاطبان به داخل زیاد است. برعکس در صورتی که عمق جلوخان بیشتر از عرض آن گردد، بسته به افزایش نسبت عمق به عرض از دعوت‌کنندگی کاسته می‌شود. با بررسی نمونه‌ها مشاهده می‌شود جلوخان‌ها عموماً نسبت عرض به عمق بیشتر است. این تناسبات همچنین باعث مشاهده و درک بهتر سر در ورودی بنا، بازی نور و سایه زیباتر و مطرح شدن بهتر آن در عرصه عمومی می‌گردد.

تقویت سلسله مراتب ورود به بنا: سلسله مراتب یا ساماندهی و سازماندهی فضاها و اجزای کالبدی ورودی خانه در معماری ایرانی، آشکارا قابل مشاهده است. به نظر فلامکی سلسله مراتب ورود و یا «تعین‌های مسیر در فضای معماری» یکی از ویژگی‌های معماری ایرانی است که دارای قدر و منزلت ویژه‌ای می‌باشد و در میان بناهای گوناگونی که ایرانیان در زیستگاه‌های بزرگ و میانی و روستاهای خود درطول ده – یازده سده اخیر و تا پیش از نفوذ گسترده معماری غرب ساخته‌اند و شواهدی از آن تا به امروز موجودند ساختمانی را بدون رعایت و احترام به سلسله مراتب ورود نمی‌توان یافت و این ترتیب و تدرج نه صرفاً به خاطر جنبه‌های کارکردی بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای تضمین بهره وری معنوی و آماده سازی ذهنی مخاطب است (فلامکی،۱۳۸۵،۳۶۳-362). هر جز در این زنجیر، نقشی بر عهده دارد و مجموعه فعالیت‌هایی نظیر تغییر مسیر، مکث، انتظار، حرکت، تصمیم‌گیری و انتخاب، تقسیم، ورود، درک محیط و بنا را شامل می‌شوند. در کامل‌ترین اجزای ورودی به ترتیب می‌توان این فضاها را برشمرد: جلوخان، هشتی، راهرو و گاهی ایوان و ساباط. همان طور که مشاهده می‌شود، شروع و آغاز با جلوخان است. اردلان و بختیار در کتاب حس وحدت بیان می‌دارند: «همبندی یک فضا با فضاهای دیگر به‌طور اجتناب ناپذیری از الگوی اتصال، انتقال و وصول پیروی می‌کند و این الگو از طریق قوانین تمثیل با طبیعت به هماهنگی می‌رسد.» (اردلان- بختیار، 1380، 16) در این الگو جلوخان نقش و رسالت خود را در اتصال اندرون بنا به فضای بیرون به‌خوبی ایفا می‌نماید. دیگر اجزای ورودی مانند هشتی و راهرو در انتقال ایفای نقش می‌نمایند تا به فضای اندرون وصول حاصل آید. جلوخان به‌عنوان اولین بخش از سلسله مراتب ورودی خانه با گسترده شدن در سطح و در اختیار گرفتن عرصه‌ای نسبتاً وسیع باعث تعریف بهتر ورودی خصوصاً در بیرون خانه می گردد. گسترش آن شخصیت بارزتری به جلوخان می دهد و نقش به‌سزایی در دعوت مخاطبین به داخل ایفا می‌نماید[7].

بستری جهت درک بهتر بنا: عموماً در معماری سنتی به‌ویژه اقلیم گرم و خشک ایران، سردرب، مزین‌ترین قسمت از نمای خارجی بنا است (سلطان زاده،۹۵،۱۳۹۰). با توجه به گسترش جلوخان در جلوی ورودی، این امکان فراهم می‌شود تا تزیینات، تناسبات و جزییات ورودی و سردر آن بهتر کامل‌تر درک شود. برای نمونه در عبور از بافتی متراکم در شهر رفسنجان در گذرهایی تنگ و باریک با دیوارهایی از خشت و گل با جلوخان خانه حاج علی آقا مواجه می‌شویم. تغییر در نور، سطح و گشادگی این فضا، بهترین عامل برای جلب توجه عابرینی است که شاید توجهی به بنا نداشته باشند. در این شرایط مکث، تأمل و مشاهده بنا تقریباً اجتناب ناپذیر است. نمونه دیگر قابل تأمل، جلوخان ساده خانه‌های واقع در دل بافت مانند خانه رسولیان در بافت به هم پیچیده و متراکم یزد می‌باشد. بدین صورت جلوخان به

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

ایفای نقش در درک بصری بهتر بنا می‌پردازد. برای ادراک بهتر وبا توجه به تناسبات بنا، می بایست فاصله ای درخور جهت مشاهده پیش بینی شود. با توجه به پهنای گذر که برای عبور در نظر گرفته شده است، جلوخان با ایجاد پهنای گسترده‌تر، عرصه‌ای مناسب برای درک بنا را فراهم می‌کند. همچنین با تغییری که در عرض گذر و گاهی کفسازی و بازی نور ایجاد می‌شود توجه عابر را به بنا جلب می‌نماید. بدین معنا یکی دیگر از کارکردهای جلوخان فراهم نمودن زمینه‌ای برای توجه به بنا و درک بهتر آن است. گویی آمیزش و کششی متقابل تحقق می‌یابد تا ذهن برای وارد شدن از عرصه‌ای عمومی به عرصه‌ای خصوصی از این نقطه آماده شود و این اندیشه در معماری ایرانی همواره با تاکید، تدوین یافته است (فلامکی،۱۳۸۵،۳۶۳). وجود این‌گونه فضاها باعث می‌شود محله و شهر از یکنواختی کامل در نگاه اول خارج شود و عابر با مجموعه‌ای گوناگون و پرجاذبه مواجه شود به طوری که در منظر اول همه چیز پایان نمی‌پذیرد (نقره کار،۱۳۸۷،۵۳۵). این عوامل نقش به‌سزایی در درک بهتر بنا خواه توسط استفاده‌کنندگان آن و خواه ناظرین و رهگذران ایفا می‌نمایند.

ایجاد فضایی برای تعامل اجتماعی: جلوخان در جنبه‌های دیگری نیز به ایفای نقش می‌پردازد. در عرصه اجتماعی، شاهد ارتباط مردم در این فضا هستیم. قسمتی از بنا که مالک سخاوتمندانه از حریم درون بنا خارج نموده و بستری مناسب جهت تعامل اجتماعی در بیرون ایجاد کرده است. به نظر فلامکی انسان نیازمند فضایی است تا در آن خود را با دیگران بیابد و اجتماعی بودن خود را بیازماید و به نمایش بگذارد و از آن بنا بر هر گرایش و خواسته‌ای که پی گرفته است، بهره‌مند شود. (فلامکی،۱۳۸۵،۷۲) به نظر او گویی انسان‌ها همیشه به فضایی همگانی و باز برای عنوان کردن نیازهای فردی و اجتماعی خود نیاز داشته‌اند تا در آن اندیشه‌ها، هنرها و فرهنگ خود را در جمع بیازمایند و به داد و ستد فرآورده‌های خود با دیگران بپردازند (فلامکی،۱۳۸۵،۷۸). در جلوخان به‌عنوان عرصه‌ای عمومی در جلوی خانه، این امکان و قالب مکانی فراهم است تا ساکنین خانه با همسایگان، مردم محل و یا مراجعین خانه به مراوده و تعامل بپردازند؛ همچنین جلوخان می‌تواند فرصت و مجال شکل گیری روابط اجتماعی مردم با یکدیگر را مهیا نماید. در این مکان (به‌ویژه در روستاها)، امکان[8] شکل‌گیری رفتارهایی که نیازمند به همکاری بین همسایگان بوده فراهم می‌شد. برای نمونه می‌توان به فعالیت‌هایی که زنان به‌صورت جمعی و اشتراکی انجام می‌داده‌اند مانند بافندگی و یا دیگر صنایع دستی اشاره نمود. گاهی اوقات دامنه این گونه فعالیت‌ها به هشتی که نسبت به جلوخان فضایی خصوصی‌تر می‌باشد، نیز کشیده می‌شده است.

علاوه بر آن در جلوخان خانه‌ها این امکان فراهم است تا نسل‌های مختلف از کودکان گرفته تا سالخوردگان به تعامل با یکدیگر بپردازند. در این مکان این قابلیت فراهم می‌باشد تا مراوده چهره به چهره و رودرروی اهالی و ارتباط آن‌ها با زندگی جاری در بیرون خانه‌ها صورت پذیرد. سالخوردگان محل می‌توانند ضمن ارتباط با دیگران، از هم صحبتی با هم لذت ببرند و به تماشای فعالیت دیگران مشغول گردند. با توجه به اینکه خانه‌های بافت مسکونی شهرها و روستاها درون گرا می‌باشند، بدین وسیله بهانه‌ای جهت تعامل با دیگران در مرز بین درون و برون مهیا می‌گردد (ت11).

جلوخان می‌تواند بستری جهت شکل‌گیری روابط اجتماعی برای سه دسته از مردم فراهم نماید:

الف) باشندگان[9] بنا: ساکنان خانه این امکان را دارند تا با حضور در جلوخان ضمن حضور در عرصه بیرون به

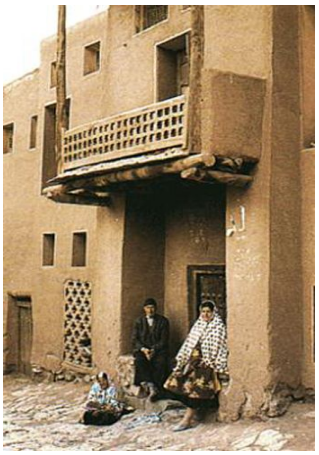
[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

تعامل با دیگران بپردازند. «همه انسان‌ها نوعی گرایش به هردو حریم خصوصی و اجتماعی دارند، یک حریم خصوصی و دلچسب به علاوه نوعی ارتباط با محیط اجتماعی بیرون » (الکساندر، 1388،333). در صورتی که واحدهای مسکونی به‌طور کامل به زندگی جاری در گذر و فضای عمومی پشت کنند و با آن در ارتباط مناسب نباشند، به این نیاز پاسخ مناسبی داده نشده است. به عبارتی اگر باشندگان نتوانند به راحتی ارتباط مناسبی با فضای بیرون خانه، رهگذران و رویدادهای اجتماعی پیدا کنند، القای اینکه ساختمان و دنیای بزرگ‌تر بیرون به هم متصل‌اند و با هم گره خورده‌اند وجود ندارد. «به سادگی ما معتقدیم هر ساختمان حداقل به یک و در صورت امکان به چند فضا برای افرادی که هنوز در داخل ساختمان هستند، نیازمند است تا حس ناشی از با دیگران بودن و ارتباط با دنیای خارج را منتقل کند.» (الکساندر، 1388،385).



ت 11. تعامل مردم در جلوخان خانه‌ای در روستای ابیانه. مأخذ: نگارنده، 1390

ب)همسایگان: در جلوخان خانه‌ها، این امکان فراهم می‌باشد تا همسایگان به تعامل با یکدیگر بپردازند. برای نمونه می‌توان به تعامل کهنسالان با کودکان و تماشای بازی آن‌ها و یا مراوده آنان با دیگر سالخوردگان اشاره نمود. علاوه بر آن حضور و تعامل زنان همسایه در جلوخان‌ها نیز نمونه‌ای دیگر از این گونه تعامل است (ت 12).



ت 12. تعامل همسایگان در جلوخان خانه‌ای در روستای ابیانه. مأخذ: نگارنده، 1390

پ)رهگذران: علاوه بر این جلوخان‌ها این قابلیت فراهم است تا رهگذران و غریبه‌ها نیز به دلیل خستگی یا ملاقات با صاحب‌خانه و یا هر دلیل دیگری لحظاتی هرچند کوتاه تأمل و مکث نمایند و بدین ترتیب قابلیت شکل‌گیری تعامل اجتماعی بین آن‌ها با دیگران بدون تداخل با دیگر رفتارها و رویدادها به‌صورت آزادانه فراهم می‌گردد. در این مکان غریبه‌ها و رهگذران می‌توانند آزادانه به تعامل با دیگران بپردازند، لحظاتی به استراحت مشغول شوند و...

نکته‌ای که در اینجا می‌بایست به آن اشاره نمود جایگاه جلوخان‌ها در یک همسایگی می‌باشد. در معماری کنونی بسیار شاهد آن می‌باشیم که باوجود قرارگیری خانه‌ها در کنار یکدیگر و اطلاق واژه همسایه به آن‌ها، امکان شکل‌گیری ارتباط بین آن‌ها به خوبی طراحی نشده است. لکن در معماری بومی شهری یا روستایی، محل قرارگیری جلوخان خانه‌ها نسبت به هم

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

در همسایگی، از پیش اندیشیده و تعیین می‌شده است؛ گاهی جلوخان‌ها روبه‌روی هم قرار می‌گیرند، گاهی در فضایی گرد هم جمع می‌شوند و گاهی نیز در یک دربند به تعامل با هم می‌پردازند. برای نمونه می‌توان به قرارگیری چهار جلوخان در کنار هم در مجاورت جلوخان خانه رسولیان یزد اشاره نمود که با یکدیگر تشکیل یک مجموعه و یا جلوخان جمعی و به عبارت کامل‌تر همسایگی را داده‌اند. بدین گونه محل قرارگیری جلوخان خانه‌ها جهت شکل دادن به همسایگی در طرحی از پیش اندیشیده شده، تعیین می‌گردیده است؛ چرا که این امکان به راحتی مهیا بوده است تا جلوخان این چهار خانه در مکان دیگری و بدون تعامل و مجاورت با یکدیگر شکل گیرند. با دقت در بافت شهری و روستایی نمونه‌های متعددی از این قبیل مشاهده می‌شوند؛ نمونه‌هایی مانند جلوخان‌های خانه‌های مجاور خانه ملک التجار یزد و یا مثال‌های متعددی از جلوخان‌های خانه‌های روستاهای ابیانه، قهی و... بدین ترتیب می‌توان بیان داشت جلوخان‌ها عنصر هویت دهنده به معابر می‌باشند و رابطه جلوخان‌ها با هم از قبیل دوری، نزدیکی و یا امکان تعامل با یکدیگر، معبر را از نقش صرفاً عبوری، خارج و به مکان‌هایی برای مکث و تأمل تبدیل می‌نماید. محل قرارگیری جلوخان‌ها نسبت به هم، نقش هر یک را تقویت نموده و مکانی جهت تعامل واحدهای مسکونی با هم مهیا می‌کند و همسایگی را تعریف و تقویت می‌نماید. به عبارتی با توجه به اینکه جلوخان‌ها نماینده همسایگی درگذر می‌باشند، رابطه جلوخان‌ها در یک معبر دارای پیام می‌باشد.

جمع بندی

جلوخان به‌عنوان یک آغاز، فضایی ارتباطی در ابتدای سلسله مراتب ورودی برخی خانه‌هاست و به‌عنوان یک مفصل، مرز بین داخل و خارج را تعریف می‌نماید. جلوخان فضایی ساده است؛ لکن در عین حال از مفاهیم عمیقی در درون خود بهره‌مند است و بسته به بنا و شرایط کارکردی- محیطی آن در ابعاد و شکل‌های مختلف مطرح می‌گردد. می‌توان آن‌ها را بر اساس وسعت، شکل، مقیاس متنوع حضور در خانه‌های بومی و ایفای نقش در زمینه تعاملات اجتماعی، در سه دسته کلی تقسیم بندی نمود. جلوخان‌ها از اجزای مختلفی تشکیل شده‌اند؛ دسته‌ای از آن‌ها از اجزای ملحق به بنا می‌باشند و دسته‌ای دیگر اجزای مربوط به میدان جلوخان‌ها هستند. برخی از اجزای جلوخان‌ها در تمام دسته‌ها به‌صورت مشترک حضور دارند و برخی دیگر در نمونه‌های اندکی به ایفای نقش می‌پردازند. جلوخان‌ها در زمینه‌های مختلفی رسالت خود را به انجام می‌رسانند و می‌توان آن‌ها را در زمینه‌های کلی رفتاری، کالبدی و اجتماعی دسته بندی نمود. معمار هنرمند در معماری بومی ایرانی با توجه به سنت و فرهنگ رایج اهمیت ویژه‌ای برای حفظ حریم خانه قائل بوده است و به روش‌های گوناگون در راه تعریف و تبیین آن قدم برداشته است. رابطه درون و برون، یکی از دغدغه‌ها و ذهن مشغولی این هنرمندان بوده است که جلوخان در این زمینه، نقشی درخور ایفا می‌نماید. مهم‌ترین رسالت آن تعریف متناسب رابطه حریم اندرون با بیرون و عرصه عمومی و همچنین فراهم کردن آمادگی روانی بهره بردار برای ورود به اندرون است. موضوعی که با توجه به فرهنگ اسلامی- ایرانی، ژرف می‌باشد. علاوه بر آن جلوخان بستری مناسب برای درک بهتر بنا مهیا می‌نماید و همچنین زمینه‌ای برای شکل گیری تعامل اجتماعی بین مردم فراهم می‌کند.

عدم توجه به جلوخان در معماری و شهرسازی امروز ما و نادیده گرفتن آن به‌عنوان مفصل ارتباطی و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

فضایی واسط بین اندرون و بیرون در طراحی خانه‌ها و محلات مسکونی شهرها معضلات متعددی را باعث شده است. حذف و یا کم‌رنگ شدن نقش این عنصر معماری، ترتیب و تدرج وصول به خانه را که یکی از ویژگی‌های مهم معماری ایرانی است مخدوش نموده است. متأسفانه امروزه با رخت بربستن این عنصر کارا از معماری مسکونی ما، خلأ رسالت‌های متعدد آن پر نگردیده و خود نوعی آشفتگی، سردرگمی و ناخوانایی در معماری محلات مسکونی را موجب گردیده است. حال آنکه جلوخان در معماری بافت‌های مسکونی شهرها و روستاهای ما به‌عنوان فضایی که هم آغاز است وهم پایان، هم عامل اتصال است وهم عامل انفصال، هم همگانی و عمومی است وهم اختصاصی، هم متعلق به خانه و هم متعلق به گذر است. به نظر می‌رسد می‌توان با شناخت و تحلیل صحیح و همه جانبه عناصری مانند جلوخان‌ها از معماری مسکونی بومی و سنتی کشورمان و بهره‌برداری درخور از آن، گامی در جهت بهبود و ارتقای کیفیت معماری مسکونی کنونی این مرز و بوم برداشت.

پی نوشت

1. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مقاله زیر مراجعه نمایید: نوایی، کامبیز. (1377)، مسجد تمثال انسان کامل، نشریه صفه، شماره26.

2. ولی در کل می‌توان چنین بیان نمود که تزیینات در جلوخان‌های بناهای مسکونی در هر سه دسته به نسبت جلوخان گونه‌های دیگر بنا مانند مسجد، مدرسه و بازار، مختصرتر و ساده‌تر بوده و از هماهنگی بیشتری با بافت پیرامون خود برخوردار می‌باشند. جلوخان بناهای عمومی یاد شده با توجه به نقش و کارکرد خود، از تزیینات غنی‌تر و شاخص‌تری بهره‌مند هستند. تزییناتی از قبیل کاشی‌کاری، مقرنس‌کاری و ... حال آن که در جلوخان خانه‌ها تزیینات عموماً به‌صورت آرایه‌های گچی یا آجری می‌باشند.

3. پیرنشین گاهی در دسته سوم جلوخان‌ها در اجزای مربوط به میدان نیز مشاهده می‌شود.

4. آب نما به‌صورت یک حوض کم عمق است. همان گونه که ازنام آن مشخص است منظور ارایه نمایی از آب بوده است. آب نما عموماً درجلوخانهای با عرصه وسیع که ورودی بناهای بزرگ و بااهمیت را تعریف می‌کنند ساخته می‌شده است. با بررسی نمونه‌ها مشاهده می‌شود که آب نما درمحور اصلی ورودی درجلوخان بنا ها قرار گرفته است وبه گونه‌ای حرکت مستقیم به سمت درورودی را ناممکن می‌سازد. بهره برداران از بنا می‌بایست برای وارد شدن مسیر مستقیم خود را تغییر دهند و دو مرتبه پس از عبور ازکنارآب نما، به محوراصلی باز گردند. به نظر می رسداین امر، حواس مخاطب را به محیط بیشتر جلب می‌نماید. الکساندرمعتقد است تغییرجهت در ورودی و در هنگام وارد شدن به بنا می‌تواند ازمشخصات یک ورودی خوب باشد (الکساندر، ۱۳۸۱،۲۲۸). شاید بتوان ادعاکرد ورود به بنا ازمحور مستقیم در معماری ایرانی چندان مطلوب ومورد نظر نبوده است (سلطان زاده، ۱۳۹۰،۲۲۲). آب نما درجلوخان مساجد علاوه بر تلطیف فضا وایجاد آرامش روانی برای ورود به مسجد می‌تواند برای اموری مانند وضو گرفتن نیز مورد بهره برداری قرار گیرد. حضور آب نما درمیدانگاه برخی از جلوخان‌ها به‌صورت خاص وعمده از ویژگیهای مهم برخی از بناهای بزرگ ایرانی به حساب می‌آید (سلطان زاده،1390،8). این عنصر عموماً درجلوخان بناهای بزرگ و با اهمیت مانند مساجد جامع در معماری ایران مشاهده می‌شود. برای نمونه می‌توان به مسجد جامع عباسی (مسجد امام اصفهان) و یا مسجدجامع یزد اشاره نمود.

5. Pattern

6. همانطور که از نام جلوخان بر می آید تأکید برآغاز است نه پایان؛ به عبارتی اهمیت واولویت با مفهوم ورود می‌باشد نه خروج.

7. واحدهای معماری- شهری از اولین لحظه دربرگرفتن شخص، از نقطه ورودی به بعد، حین حفاظت وهدایت وی به نقاط داخلی‌تر وبه قلب بنا، حس آشنایی نسبی وقبلی با آن را به خاطر آمادگی درپذیرفتن فضا وتعلق یافتن به بنا، در وی به‌وجود می‌آورد وبه تدریج تقویت می‌کند. مسیری که پس از ورود به مجموعه‌های قدیمی ایران به فرد عرضه می شود راهی است که از پیش بررسی و تنظیم شده است وپیمودن آن به‌وجود آورنده

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]

رفتار محیطی خاصی خواهد بود که در رابطه با آداب وارزشهای اجتماعی- فرهنگی، تا حدودی، از طرف طراح فضـای کالبـدی، پیش بینی شده‌اند. (فلامکی،٥٦، ١٣٨٠و55)

8. Potential

9. این اصطلاح برگرفته از کتاب سیری درمبانی نظـری معمـاری غلامحسین معماریان می‌باشد.

منابع

- آلپاگونوولو، آدریانو؛ فلامکی، محمد منصور؛ [و دیگران]. (1384)، معماری بومی، نشر فضا، تهران.
- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. (1380)، حس وحدت، ترجمـه حمید شاهرخ، نشر خاک، اصفهان.
- الکساندر، کریستوفر. (1381)، معماری و راز جـاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم. (1383)، سبک شناسی معماری ایرانی، نشر معمار، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم. (1389)، معماری ایرانی، نشر سروش دانش، تهران، چاپ دوم.
- حاجی قاسمی، کامبیز. (1375)، گنج نامه، چاپ محمد و چاپ نشر شاد رنگ، تهران.
- سـلطان زاده، حسـین. (1390)، فضـاهای ورودی در معماری سنتی ایران، دفتر پژوهش‌هـای فرهنگـی، تهـران، چـاپ سوم.
- عمید، حسن. (1342)، فرهنگ عمید، ناشر کتابخانه سینا، تهران.
- فتحی، هوشـنگ. (1376)، مجموعـه تصـویری خورشـید ایران، چاپ سحاب، چاپ اول.
- فلامکی، محمد منصور. (1385)، شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب، نشر فضا، چاپ دوم.
- فلامکی، محمد منصور. (1380)، باززنـده سـازی بناهـا و شهرهای تاریخی، دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- معماریان، غلامحسین. (1390)، سـیری در مبـانی نظـری معماری، تهران، انتشارات سروش دانش، چاپ پنجم.
- معـین، محمـد. (1360)، فرهنـگ فارسـی، جلـد اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم.
- نقره کـار، عبدالحمیـد. (1387)، درآمـدی بـر هویـت در معماری و شهرسازی، انتشـارات وزارت مسـکن و شهرسـازی، تهران.
- Asquith, Lindsay ; Vellinga, marcel.(2006) , Vernacular Architecture in the Twenty-First Century, Taylor& Francis group.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-14]